

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D15SH1M89 ISSN-P: 2538-3701

تحلیل حقوقی و جرم شناسی سرقت از بانک ها

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

احمد عباس زاده بهستانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تسوج.

دکتر مهدی سلیمانی

دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، قاضی دادگستری، مدرس دانشگاه

چکیده

در بین انواع سرقت، سرقت از بانک ها به عنوان پدیده ای که همزمان امنیت مالی و جانی افراد جامعه را بر هم می زند، دارای درجه اهمیت فوق العاده ای است. سرقت مسلحانه از بانک نشان از آن دارد که ریشه این جرم به مسائل اقتصادی بازمی گردد. معمولاً زمانی که مشکلات اقتصادی در جوامع مختلف افزایش می یابد. وقوع سرقت های مسلحانه از بانک ها به قصد به دست آوردن مقادیر زیاد پول در کوتاه ترین زمان ممکن زیاد می شود. معمولاً افرادی که دست به سرقت مسلحانه می زنند پیش از انجام عملیات نهایی با کار کارشناسی به مکان یابی سوژه ها می پردازند و عواملی مانند خلوت بودن محیط، امکان گریز، امن بودن و دوری از ماموران، فقدان یا کمبود تجهیزات ایمنی و نگهبانان را در مراجعات متعدد به شعبه مورد نظرشان بررسی می کنند و با زمانبندی مناسب سرقت خود را انجام می دهند. متأسفانه با وجود بروز سرقت های متعدد همچنان شاهدیم که بسیاری بانک ها فاقد تجهیزات ایمنی مناسب و دوربین مداربسته هستند و در برخی شعب سرباز نگهبان مستقر نیست یا آموزش نگهبان مکفی نبوده است. برای جلوگیری از وقوع این نوع جرم علاوه بر تجهیز ایمنی بانک ها، آموزش پرسنل بانک نیز موثر است. در خصوص مجازات سرقت مسلحانه نیز چنانچه اقدام سارقان از



مصادیق محارب شناخته نشود قانونگذار برابر ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی حبس از سه ماه تا ۱۰ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه را پیش بینی کرده است که این فاصله زیاد حداقل و حداکثر مجازات نیاز به بازبینی دارد چرا که قانون فعلی باعث صدور احکام بسیار متفاوت در این خصوص می شود.

مقدمه

سرقت از جمله جرائمی است که سابقه دیرینه در زندگی انسان دارد و می توان گفت پیشینه آن از هنگام شروع زندگی جمعی و تحقق مفهوم مالکیت بوده و همواره مورد تقبیح و مجازات بوده است. از دیرباز که کاروان زندگی بشر در مسیر نظم و قانون قرار گرفته، سرقت در زمره رفتار ناپسند و ممنوع قرار داشته است. به دلیل سهولت نسبی ارتکاب سرقت در مقایسه با جرائمی چون کلاهبرداری و محسوس بودن سود به دست آمده از آن، بخش فراوانی از جرائم ارتكابی در کشورهای مختلف به آن اختصاص دارد. نوشته حاضر، ضمن بررسی موارد جرم شناسی مربوط به سرقت و ربودن مال غیر از بانک ها و تعریف هر یک از آنها، تلاش کرده است تا با بیان تفاوت بین سرقت و ربودن مال غیر، موارد ابهام را برطرف نموده و پرسشها را پاسخ دهد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانونگذار سعی در اسلامی کردن قوانین جزائی داشته و در تعریف سرقت و پیش بینی مجازات قطع دست، نظریات فقها را مد نظر قرار دادن است و نظر به این که از دیدگاه فقها میان سرقت و ربودن مال غیر تفاوت وجود دارد و ربودن مال غیر در صورتی که مخفیانه و از حرز باشد «سرقت» و در غیر این صورت تحت عناوین دیگری قرار می گیرد، قانونگذار در تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۶۵ بر اساس دیدگاه فقها میان سرقت و ربودن مال غیر تفاوت قائل شده و برای ربایشی که سرقت نیست، مجازات تعیین نموده است، اما مصادیق مشمول حکم ماده مذکور را بیان ننموده است. به نظر نگارنده با توجه به اینکه در قانون مجازات اسلامی در کنار سرقت مستوجب حد، انواع مختلف سرقت های تعزیری که مخفیانه بودن ربایش شرط تحقق آنها نیست؛ پیش بینی شده و عناوین مذکور در کلام فقها از جمله اختلاس، استلاب اختطاف و ... در قالب مواد مذکور قابل تعقیب و مجازات است، وضع و تصویب ماده ۶۶۵ مذکور، آن هم با عباراتی مبهم و غیروافی به مقصود، اقدامی مطلوب و ضروری نبوده است.



بخش اول: کلیات و مفاهیم

بند نخست: جرم

جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است (سیاح، ۱۳۷۷، ص ۵۵۶). همانگونه که اقدام منفی به صورت فعل هم مشمول مجازات است انجام ندادن یک فعل و عدم اقدام به آن هم قابلیت پیگیری کیفری دارد و مجازات خاص خود را هم خواهد داشت. «جرم عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین نموده باشد.» انجام تخلف و جرم از ناحیه افراد عموماً به صورت مختلف صورت می گیرد و بر اساس آن مجازاتهای مربوط به جرائم در قانون مدون شده است. «جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی سپرده است.» (گرجی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶).

بند دوم: مجازات

مجازات یا کیفر در اصطلاح به معنای اینست که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد چیست. حال در قانون به ازای هر عمل بد و خلاف که قانونگذار بیان کرده چه امری بد و خلاف است تنبیهی هم بیان کرده که به آن تنبیه مجازات و به آن عمل بد جرم می گوئیم به طور ساده و عامیانه می گوئیم اعمالی که ممنوع است و کسی نباید آن را انجام دهد و برای جامعه خطر دارد و حتی برای از بین بردن آرامش مردم خطر دارد و فراتر از آن بیان می کنم برای مراودات اجتماعی مردم با مردم و مردم با جامعه و جامعه با مردم و دولت با مردم و مردم با دولت حتی روابط بین المللی خطر دارد و در روابط فرهنگی و اجتماعی و روابط اقتصادی و ... خطر دارد که نباید آن را انجام داد چنانچه هر کس آن عملی را که قانون گذار آن را

خلاف می داند و بعنوان واژه جرم بیان کرد انجام مرتکب جرم شده و قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده و مقدار مجازاتش را همان قانون گذار پیش بینی کرده است که بدیهی ترین روش برای جلوگیری از آن عمل جرم و خلاف همین مجازات پیش بینی شده است (کریمیان، ۱۳۹۰، ص ۶۹). حال جرم را از منظر قانون تعریف می کنیم که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی قدیم بیان شده فعل یا ترک فعلی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد یا جرم عملی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است مثلاً کاپن، خرید و فروش جرم نیست چون هر خلاف جرم نیست. جرم شدت و ضعف دارد و همه جرمها مجازاتشان مساوی نیستند. اساس این ماده از اصل ۳۶ قانون اساسی بوده که همان اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که در تمام کشورها پذیرفته شده است حتی در قرآن هم یکی از منابع معرفی شده است سوره طلاق آیه ۷ «لا یکلف الله نفساً الا ما ایتها» خداوند بدون اینکه قانون و مقررات وضع کرده باشد کسی را تکلیف بر امری نمی کند. فلسفه مجازات برای اصلاح شخص خطرناک یا مجرم حرفی است که وی زبانی به جامعه نرساند. جای سوال است که آیا به صرف مجازات می توان جرائم در کشور را کاهش داد و بتدریج از بین برد؟ قطعاً مجازات یا تشدید مجازات نمی تواند عامل کاهش جرائم شود بلکه بعضاً عامل ازدیاد جرائم می شود پس هدف از طرف مجازات تأمین نمی شود بلکه یکی از راه های کاهش جرائم اقدامات تأمینی و تربیتی است. درست است که در اقدامات تأمینی آزادی بزهکار سلب و بعضاً محدود می شود اما عامل بسیار مهمی است برای جلوگیری از تکرار جرم. اقدامات تأمینی و تربیتی تصمیماتی هستند که مقامات صالح قضایی بر خلاف مجازات برای از بین بردن زمینه ارتکاب مجدد جرم به وسیله مرتکب اتخاذ می نمایند و این امر بطور کلی انجام می گردد. اقدامات تأمینی جهت حمایت از جامعه و آینده مرتکب یعنی بزه کار صورت می گیرد زیرا هر زمان که مجازات بر بزهکار اثر افتد فرد آزاد است برخلاف مجازات که تنها هدف تنبیه کردن مجرم است و مجازات معموله برای بزهی که توسط بزه کار صورت می گیرد برای مدت معینی اعمال می شود در صورتی که اقدامات تأمینی یک عامل بازدارنده می تواند باشد



و برای جلوگیری از تکرار جرم نسبت به همه مجرمین اتخاذ می گردد و این اقدامات تأمینی بیشتر برای مجرمان خطرناکی اتخاذ می شود (رضایان، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

بند سوم: سرقت

«سرقت گرفتن چیزی از حرز به طور پنهانی بدون حق» است. سرقت ربودن مال و اشیا منقول و غیر منقول بدون رضای او بر خلاف حق. در اصطلاح؛ آن را سرقت ساده و سرقت عادی گویند. تقلب و اختفا از ربودن دانسته میشود. و مفهوم عرفی سرقت این دو امر را اقتضا می کند. در کنار جرم سرقت، برخی از اعمال مرتبط با این جرم نیز در دنیا واجد وصف مجرمانه هستند و قابل مجازات شناخته شده اند. مهم ترین این قبیل اعمال، جرم مداخله در اموال مسروقه از طریق خرید و فروش مال مسروقه، مخفی کردن مال مسروقه و... است. سرقت در کشور ما انواع مختلفی دارد که معمولاً به سرقت های «حدی» و «تعزیری» تقسیم می شوند. از دیدگاه لغت و فقه، سرقت یعنی عمل مخفیانه، به گونه ای که اگر عمل ربودن مخفیانه نباشد سرقت صدق نمی کند، بلکه واژه های دیگری چون اختلاس یا استلاب بکار برده می شود. قانونگذار نیز با توجه به اصلاحاتی که طی چند مرتبه انجام داده، قید مخفیانه را حذف نکرده و عملاً بر این نکته تأکید ورزیده است که در تعریف سرقت همان اصطلاح اهل لغت و فقها را مدنظر دارد و منظور از مخفیانه بودن همان معنای معروف و معمول خود که پنهانی بودن است، می باشد و بدین لحاظ نیز عنوان مجرمانه «ربودن مال غیر» را در کنار واژه سرقت، در فصل بیست و یکم قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، بوجود آورده است، تا دزدی هایی را که به صورت آشکار، انجام می شود، مورد حکم قرار دهد. بنابراین تعریف سرقت با صرف نظر از مباحث فقهی و لغوی، درست نیست و نایستی در تفسیر و تحلیل آن از دیدگاه های حقوقدانان دیگر کشورها استفاده کرد. از سوی دیگر تعریفی را که در نوشته های حقوقی به عنوان تعریف درست از سرقت ارائه کرده اند، از نظر شکل و محتوا، دارای اشکال است. اما از نظر شکل، با وجود واژه «ربودن» بی نیاز از ذکر «منقول» هستیم زیرا ربودن در لغت به معنای برداشتن و بردن است (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۵۲۶) و در نهاد آن منقول بودن مال نهفته است. از

نظر محتوا نیز با توجه به تفسیری که از متقالبانه بودن ذکر گردید و آن عبارت بود از عدم توجه و رضایت صاحب مال، جامعیت تعریف مورد اشکال قرار می گیرد زیرا با توجه به ظاهر تفسیر که عدم رضایت صاحب مال به عدم آگاهی عطف شده است، اگر سارق در حضور مالک با بکار بردن زور، اموال وی را به سرقت برد و یا در صورتی که صاحب مال به طور اتفاقی شاهد سرقت اموال خودش باشد و معذلک از ترس، اقدامی نکند، عمل مزبور، مشمول تعریف سرقت نخواهد شد، زیرا در هر دو صورت، وی نسبت به ربودن مال خویش آگاهی دارد، اگر چه رضایت ندارد. به دیگر سخن، چنین تعریفی سرقت هایی را که به صورت علنی و آشکار صورت پذیرد، در بر نمی گیرد و حال آنکه غرض از چنین تفسیری این بود که دزدیهای علنی و با قهر و غلبه نیز، مشمول تعریف شوند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۷). درباره تعریف بالا دو نکته قابل ذکر است: اولاً: بجای واژه «ربودن» از «بردن» استفاده شده است؛ زیرا ربودن در لغت به معنای استلاب و اختلاس آمده است (دهخدا، منبع پیشین، ص ۱۸۸). و از آنجا که تعریف بایستی منطقاً جامع افراد و مانع اغیار باشد، با وجود واژه ربودن، تعریف شامل دزدی های مخفیانه نمی شود، لذا به جای ربودن، بردن ذکر شده تا هم شامل سرقت های حدی و تعزیری (دزدی های پنهانی) و هم در بردارنده ربودن های علنی و بطور کلی شامل هرگونه دزدی شود. ثانیاً: ممکن است کسی اشکال کند که تعریف یاد شده از دزدی با تعریف جرم کلاهبرداری و خیانت در امانت یکسان است زیرا در آن جرائم نیز بحث بردن مال غیر مطرح است، لذا تعریف مانع اغیار نیست. در پاسخ می گوئیم اگر چه در جرم کلاهبرداری و خیانت در امانت نیز بحث بردن مال غیر مطرح است، با این تفاوت که در جرم کلاهبرداری بردن مال غیر با انجام عملیات متقالبانه صورت می پذیرد و انجام چنین عملیاتی در تحقق جرم کلاهبرداری ضروری است و در واقع بخاطر اغفال صاحب مال، وی مال را به کلاهبردار می دهد. در جرم خیانت در امانت نیز مال به شخص خائن سپرده می شود. برخلاف جرم دزدی که بحث انجام عملیات متقالبانه یا سپردن مال مطرح نیست، بلکه مال، بدون رضایت صاحب آن و به صورت مخفیانه یا آشکارا برده می شود (قربانی، ۱۳۷۱، ص ۴۶).



بند چهارم: بانک

بانک ها موسساتی هستند که از محل سپرده های مردم می توانند سرمایه های لازم را در اختیار صاحبان واحدهای صنعتی، کشاورزی و بازرگانی و اشخاص قرار دهند. تکامل بانکداری به زمانی که نوشتن به وجود آمد برمی گردد و اکنون به عنوان یک موسسه مالی که به بانکداری و ارائه خدمات فاینانس می پردازد همچنان رو به تکامل است. در حال حاضر عموماً واژه بانک به موسسه ای گفته می شود که مجوز بانکداری داشته باشد. مجوز بانکداری توسط دستگاه های نظارت مالی اعطا می شود و حق ارائه اغلب خدمات مهم بانکی از قبیل پذیرش سپرده ها و دادن وام را می دهد. موسسه های مالی دیگری هم وجود دارند که تعریف حقوقی بانک را ندارند و در اصطلاح موسسه اعتباری غیر بانکی نامیده می شوند. بانک ها زیرمجموعه ای از صنعت خدمات مالی هستند. به طور معمول سود بانک ها از طریق کارمزد انجام خدمات مالی و نیز بهره ای که از راه سپرده های مشتریان به دست می آید حاصل می شو د. در ایران بانک ها به عنوان یک موسسه ی اقتصادی از طریق عقود متفاوت اسلامی با مشتریان مشارکت کرده، سود حاصل می کنند «بانکداری اسلامی». خدماتی که معمولاً به وسیله بانک ها ارائه می شوند.

بند پنجم: موسسات بانکی

مؤسسه های مالی و اعتباری نهادهای اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران هستند که برخلاف بانک های خصوصی و دولتی، تابع قوانین بانک مرکزی نیستند و به همین دلیل قدرت کسب توان مالی بسیار بالاتر از بانک ها دارند. اکثر آن ها وابسته به نهادهای دیگری هستند. بانک مرکزی ایران، مؤسسه اعتباری را موسسه ای می داند که از طریق جذب سپرده های مجاز بانکی (به استثناء سپرده قرض الحسنه جاری)، اخذ تسهیلات و استفاده از سایر ابزارهای مالی به تجهیز منابع مبادرت نموده و این منابع را به اعطای تسهیلات اعتباری اختصاص داده و یا به هر نحو دیگری به تشخیص بانک مرکزی، واسطه بین عرضه کنندگان و متقاضیان منابع مالی باشد. بیشتر موسسات اعتباری بر خلاف بانک های خصوصی و دولتی، پیش از قانون تنظیم بازار غیر



متشکل پولی مصوب سال ۱۳۸۳ و با اخذ مجوز از سایر نهادها مانند وزارت تعاون، کشور، نیروی انتظامی و ... ایجاد شده‌اند. در حال حاضر اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است.

بخش دوم: تحلیل حقوقی سرقت از بانک‌ها

بند نخست: جرم سرقت از بانک‌ها در قوانین ایران

در نظام حقوقی گذشته ایران جرم سرقت مسلحانه و برخی از جرایم مرتبط با آن در فصل پنجم از قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴) مورد حکم قرار گرفته بود (مواد ۲۱۷ الی ۲۱۸). علاوه بر این در بعضی قوانین متفرقه نیز انواع مختلفی از سرقت‌های خاص از قبیل سرقت مسلحانه از منازل، سرقت از بانک‌ها مورد پیش بینی قرار گرفته بود.

در نظام حقوقی فعلی ایران نیز به تبعیت از فقه اسلامی (فقه جعفری) که حرمت مال مسلم را هم تراز حرمت خون او می‌داند. ارتکاب سرقت به عنوان جرم شناخته شده و طی موارد گوناگونی برای آن مجازات تعیین شده است که به دو دسته کلی قابل تقسیم است.

۱- سرقت‌های مستوجب حد (موضوع مواد ۲۶۸ تا ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال

(۱۳۹۲)

۲- سرقت‌های تعزیری که تقسیم می‌شوند به:

الف) سرقت‌های تعزیری ساده موضوع ماده ۶۶۱

ب) سرقت‌های تعزیری مشدد موضوع مواد ۶۵۹ تا ۶۶۱

جرم سرقت مسلحانه مورد نکوهش همه ی قوانین و ادیان است که در اعصار گذشته تا به حال مجازات‌های متفاوتی برای آن مقرر ساخته اند در سوره ی مائده آیه شریفه ی ۳۸ قطع دست دزد را مقرر فرموده است در جایی که می‌فرماید « **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا تَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ** » (دست مرد و زن دزد را به کیفر عملشان ببرید این عقوبتی از جانب خداست که برای آنان مقرر داشته و خدا مقتدر و داناست).



سرقت در علم حقوق از مباحث حقوق جزاء اختصاصی است و سرقت مستوجب حد نیز یکی از انواع سرقت هاست که مجازات آن در ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی بیان شده است از آنجایی که اموال شخصی و دولتی همواره در معرض سرقت سارقین قرار داشته و دارد. این مختصر به توضیح این جرم اختصاص یافته امید است مورد توجه قرار گرفته و مفید فایده باشد. (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۸۲)

بند دوم: تبیین عناصر جرم سرقت از بانک ها

همانطور که میدانیم هر فعل مجرمانه باید دارای سه رکن اصلی باشد که نقص در هر یک از این ارکان باعث متزلزل شدن فعل مجرمانه میگردد. این سه رکن عبارت هستند از:

۱- رکن قانونی

۲- رکن مادی

۳- رکن معنوی یا روانی

بند سوم: عناصر تشکیل دهنده جرم سرقت از بانک ها

الف: عنصر قانونی

در قانون سال ۱۳۰۴ تا ۲۲۲ مواد ۲۳۰ قانون کیفر همگانی این موضوع مطرح بود و همین مواد در سال ۱۳۵۲ نیز تکرار شد. در حال حاضر مواد ۱۹۷ تا ۲۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ به این موضوع می پردازد. سرقت از بانک ها و صرافی ها نوع دیگر از سرقت ها است که به موجب ماده واحد قانون مجازات سرقت از بانک ها و صرافی ها مصوب ۱۳۳۸ برای این نوع سرقت، حبس ابد و در صورت کشته شدن کسی، اعدام در نظر گرفته شده است. به عبارتی هرگاه دو یا چند نفر با اجتماع و مواضعه قبلی به بانک ها یا صرافی ها و یا جواهرفروشی ها و به طور کلی به هر محلی که در آن وجوه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیای قیمتی معمولاً وجود دارد به قصد سرقت و ربودن اموال، مسلحانه حمله ببرند (هرچند «فقط» یک نفر از آنها مسلح باشد) هریک از مرتکبین در صورت وقوع سرقت یا ربودن مال به حبس

دایم و در صورت وقوع قتل به اعدام محکوم خواهد شد و در صورتی که سرقت یا ربودن مال یا قتل واقع نشده باشد هرگاه اراده مرتکبین در آن تاثیر نداشته مجازات هریک از مرتکبین حبس جنایی درجه یک از ده تا پانزده سال و اگر اراده مرتکبین در آن تاثیر داشته مجازات آنان حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال خواهد بود و در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جایز نیست. بنابراین به نظر می رسد، در حال حاضر قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه قابلیت اجرایی دارد.

ب: عنصر مادی

رکن مادی هر جرم در حقیقت همان نمود خارجی و یا تبلور عمل پیش بینی شده مرتکب در عالم ماده می باشد که در جرم سرقت آن را در سه عنوان موضوع جرم، رفتار مجرمانه و اوضاع و احوال لازم جهت تحقق جرم، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱: موضوع جرم: موضوع سرقت مطابق ماده ۲۶۷ قانون مجازات می بایستی مال باشد. در واقع منظور از مال در اینجا، مالی است که مالکیت داشته باشد و در واقع مال آن چیزی است که پرداخت پول یا یک کالای با ارزش دیگر در مقابل آن، هم از نظر عقل و هم از نظر شرع جایز شناخته شود.

باید توجه داشت که به طور مطلق تنها مالی که در بازار و بین مردم مورد معامله قرار گرفته و رواج و رونق اقتصادی دارد را نمی توان با ارزش دانست و به عنوان مال قلمداد کرد؛ زیرا بعضاً اشیایی هستند که برای صاحب آن ارزش معنوی دارند؛ مانند عکس های یادگاری از قدیم، لذا در این موارد نیز سرقت محقق می گردد و نوع آن که شامل سرقت مستوجب حد یا تعزیری است بر اساس حد نصاب قیمت آن معین می گردد.

۲: رفتار مجرمانه: رکن اصلی سرقت در قانون مجازات اسلامی «ربایش» است و شرط لازم جهت تحقق عنصر ربایش، انتقال مال منقول یا اموال منقول از محلی به محل دیگر است.

۳: شرایط و اوضاع و احوال لازم جهت تحقق جرم: برای تحقق جرم سرقت وجود شرایطی ضروری می باشد که به ذکر آنها می پردازیم:



تعلق به غیرو ملک غیر بودن مال: مال مورد سرقت می‌بایستی متعلق به غیر در مالکیت دیگری باشد. در نتیجه بردن اموال بلا صاحب سرقت محسوب نمی‌گردد. غیر یا دیگری در این مورد نیز اعم از شخص حقیقی یا حقوقی است. در اینجا اشاره می‌گردد که منظور این است که «عین» مال متعلق به شخص حقیقی یا حقوقی باشد. به‌طور مثال موجر یا راهن که مالک عین مال می‌باشند، در صورت ربودن آن مال، سارق محسوب نمی‌گردند.

ج: عنصر معنوی

عنصر معنوی عبارت است از:

۱: سوء نیت عام یا قصد فعل که همان قصد و عمد در ربودن می باشد که یعنی عمل ربایش را باید با قصد انجام دهد.

۲: قصد نتیجه یا سوء نیت خاص که همان تصمیم بر بردن مال دیگری است.

۳: علم و آگاهی نسبت به اینکه مال متعلق به دیگری است.

۴: در سرقت های حدی گذشته از سه جزء یاد شده در عنصر معنوی، جزء چهارمی نیز وجود دارد و آن عبارت است از علم و آگاهی به حرام و غیر قانونی بودن سرقت. بنابراین می توان مدعی شد که در سرقت های غیر حدی فقط شبهه موضوعیه رافع مسئولیت است لکن در سرقت های حدی هم شبهه حکمیه وهم شبهه موضوعیه رافع مسئولیت می باشد.

درک صحیح از عنصر معنوی در جرایم و به‌خصوص سرقت از بانک ها از ضروریات شناخت درجات سرقت و به‌تبع آن مجازات خواهد بود، اما باید اذعان کرد که در خصوص مفهوم عنصر معنوی بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی حقوقدانان معتقدند: «منظور از عنصر معنوی آن است که مرتکب عملی را که طبق قانون جرم شناخته شده با قصد مجرمانه انجام داده یا آنکه در ارتکاب آن عمل مرتکب خبط و تقصیر جزایی شده باشد (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۲). هرگاه قصد مجرمانه یا خطای جزایی وجود نداشته باشد، کسی را نمی‌توان تحت تعقیب و مجازات قرار داد. در هر محاکمه کیفری باید ثابت شود که مجرم عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی، مرتکب عملی شده که قانوناً ممنوع بوده است و از انجام عملی

که قانون او را مکلف نموده، امتناع کرده است. به بیان دیگر، عنصر معنوی رابطه روانی است که بین مجرم و اعمال ارتكابی وجود دارد. برخی اعتقاد دارند: «رکن معنوی برخلاف اجزاء رکن مادی از قبیل رفتار، وسیله، نتیجه، موضوع، زمان، مکان، شخصیت اطراف جرم و غیره که عینی و در عالم خارج به نوعی فراوان هستند، فعل و انفعالات ذهنی است که تبلور خارجی آن، رفتار مرتکب است» (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۶۹۸). همچنین برخی دیگر از حقوقدانان در خصوص عنصر معنوی اذعان کرده‌اند که: «رکن معنوی یکی از پایه‌های اساسی در جرایم عمدی، به نیت باطنی و خواست مجرمانه مرتکب تعبیر شده است، به نحوی که طی آن اراده جانی متوجه انجام فعل ممنوع و تحقق نتیجه‌ای است که از طرف قانون‌گذار جزایی، جرم قلمداد شده است» (صادقی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵). برخی دیگر عنصر معنوی را چنین تعریف می‌کنند: «عنصر معنوی یا سوء نیت عام عبارت است از علم به عناصر جرم و اراده انجام آن‌ها یا قبول آن‌ها» (زراعت، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). با عنایت به تعاریف فوق، به نظر می‌آید تعریف آقای دکتر صادقی از عنصر معنوی دقیق‌تر از سایر تعاریف باشد؛ زیرا مطابق تعریف ایشان، عنصر معنوی حقیقتاً نیت باطنی و خواست مجرمانه مرتکب است و از طرفی مرتکب اراده باطنی خویش را متوجه فعل ممنوعی کرده که از نظر قانون‌گذار جزایی جرم محسوب می‌شود. درحالی‌که در تعریف سایر حقوقدانان این قیود کمتر دیده می‌شود. هیچ عملی بدون قصد مجرمانه و یا بدون خطای جزایی جرم محسوب نمی‌شود. به بیان دیگر، اصل در حقوق جزا آن است که تمامی جرایم عمدی‌اند، مگر آن که قانون خطای جزایی را جایگزین قصد کند. سرقت مسلحانه و راهزنی موضوع ماده ۲۸۱ از جمله جرایم عمدی محسوب می‌شوند؛ یعنی تا وقتی که شخص قصد فعل نکند و نتیجه مجرمانه (سوء نیت عام و خاص) را نخواهد، جرم محقق نمی‌شود. بر اساس این ماده، سارق مسلح و قطاع‌الطریق هر چند قصد عام (توسل به اسلحه و بستن راه بر روی مردم یا سرقت اموال مردم) و در خصوص بردن اموال هم قصد نتیجه را اولاً و بالذات دارند، ولی از عملشان نوعاً رعب و وحشت عمومی ایجاد می‌شود، که قصد آن را ندارند و در عین حال محارب محسوب می‌شوند؛ و گرنه، اگر قصد ارعاب و اخافه هم داشته باشند، دیگر نیازی به وضع یک ماده مستقل نبود، بلکه تعریف مذکور در ماده ۲۷۹ در



مورد محاربه، شامل سارق مسلح و قطاع الطريق هم می‌شد؛ بنابراین برای آن که سارق مسلح و قطاع الطريق با انکار قصد اخافه مفری برای صدق عنوان نداشته باشند، قانونگذار در مصداق محارب توسعه داده و آنان را هم محارب دانسته است.

بند چهارم: تخفیف مجازات در حقوق ایران

وجود بنیادهایی همچون تخفیف کیفری، می‌تواند به عنوان ابزاری دقیق و کارساز جهت صدور احکام عادلانه ای باشد که عدالت اقتضای آن را دارد. به همین دلیل موضوع تخفیف مجازات از جمله موضوعاتی است که در دوره های مختلف مورد توجه قانون گذار بوده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این موضوع مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و شرایط و ضوابطی نیز برای آن در نظر گرفته است. و به طور کلی موضع مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قانون مجازات ۱۳۷۰ روشن تر، شفاف تر و نظام مندتر است چرا که تخفیف مجازات در قانون ۱۳۷۰ هیچ گونه حد و مرزی نداشت و قاضی در اعمال تخفیف کیفر اختیاری بی حد و حصر داشت. در قانون جدید شرایط تخفیف به دو صورت انجام می‌گیرد: ۱- تخفیف قانونی یعنی تخفیف الزامی همانند ماده ۵۳۱. ۲- تخفیف قضایی یعنی اختیار دادگاه نسبت به اعمال تخفیف که ماده ۳۷ این قانون به این امر تصریح دارد. نسبت به این که چرا تخفیف کیفر باید وجود داشته باشد عقاید مختلفی بیان شده که به طور کلی می‌توان تحت چهار عنوان قرار گیرد: ۱- مبنای منطقی و عقلی ۲- مبنای قانونی ۳- مبنای قضایی و ۴- مبنای طبیعی. طبق قانون جدید تخفیف مجازات مخصوص مجازات های تعزیری است و در حدود قصاص و دیات مصداق ندارد. چرا که مجازات آنها ثابت است و امکان تغییر در آنها وجود ندارد. ماده ۲۱۹ این قانون در این خصوص مقرر می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط کند و این مجازات ها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تبدیل یا تقلیل است. و هم چنین ماده ۳۷ در این خصوص مقرر می‌دارد» در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات های تعزیری را به نحوی که به

حال متهم مناسب تر باشد... تقلیل دهد یا تبدیل کند و همچنین با توجه به این ماده و نظریه شماره ۷۵۸۸۵ باید جهت یا جهاتی برای تخفیف کیفر وجود داشته باشد. (مصدق، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶)

بند پنجم: مجازات‌های تکمیلی و تبعی سرقت از بانک‌ها در قانون ایران

هر جرمی مجازاتی دارد اما گاهی لازم است مجازات‌های بیشتری در کنار مجازات اصلی بر مجرم بار شود تا به این صورت، هم دیگر به فکر تکرار جرم نیفتد، هم زمینه بروز جرایم بعدی از بین برود و هم روند اصلاح مجرم سرعت بیشتری به خود بگیرد. در این شرایط قاضی می‌تواند در حدود قانون و ضمن صدور حکم برای مجازات اصلی، مجرم به مجازات‌های تکمیلی و تبعی محکوم کند. اما این مجازات‌ها چه معنایی دارند و شامل چه مواردی می‌شوند؟ مجازات تبعی، مجازاتی است که به صرف محکومیت متهم به یکی از مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی و تربیتی، به صورت پیش فرض بر محکوم بار می‌شود و باید توجه کرد که مجازات تبعی با مجازات تکمیلی اشتباه گرفته نشود؛ مجازات تبعی عموماً محدود به محرومیت از حقوق اجتماعی است و نیاز به اجازه قاضی در حکم خود ندارد. بلکه این مجازات‌ها بنابر حکم قانون به صورت خودبه‌خود و به تبع مجازات جرم انجام شده به مجرم تحمیل خواهد شد.

۲۰۱



اکثر مجازات‌های تبعی، حقوق اجتماعی مجرمان را نشانه می‌روند و طبق تعریف قانونی، حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمروی حاکمیت آن منظور کرده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است. این مجازات‌ها اصولاً در جرایم عمدی کاربرد دارند.

مفهوم مجازات‌های تبعی سابقه طولانی در حقوق جزای داخلی ندارد به طوری که در قانون مجازات اسلامی اولیه مصوب سال ۱۳۷۰ چیزی تحت عنوان مجازات‌های تبعی پیش‌بینی نشده بود اما چند سال بعد ماده‌ای تحت عنوان ماده ۶۲ مکرر به قانون اضافه شد و در آن از مجازات‌های تبعی نام برده شد. در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مانند قانون

قدیم، مجازات‌های تبعی را در جرایم عمدی و در صورت محکومیت قطعی کیفری و پس از اجرای حکم قابل اجرا می‌داند. محور اصلی مجازات‌های تبعی، محرومیت از حقوق اجتماعی است و مدت زمان این محرومیت بر اساس نوع جرم متفاوت خواهد بود. بیشترین مدت محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت ۷ سال تعیین شده که مربوط به محکومین به مجازات‌های سالب حیات است که به هر دلیلی توانسته‌اند از مجازات جان سالم به در ببرند. بر اساس ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی، ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار، پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج».

بخش سوم: تحلیل جرم شناختی سرقت از بانک‌ها

بند نخست: تحلیل جرم شناختی سرقت از منظر سیاسی و اجتماعی

در بسیاری از موارد ارتکاب جرائم، از جمله سرقت بیش از آن که ریشه اقتصادی داشته باشد، ناشی از عوامل سیاسی و اجتماعی است.

عامل اجتماعی: افزایش توقعات؛ شکم فراخی و افزونخواهی؛ تجمل‌گرایی، به‌ویژه توسط رهبران جامعه، که علاوه بر تأثیر نامطلوب در جامعه، انگیزه ارتکاب جرایم مالی توسط کارکنان دولتی را نیز تقویت می‌کند (سوره انفال، آیه ۴۱). وجود شکاف طبقاتی و افزایش روز افزون این شکاف که موجب کینه و نفرت طبقات محروم از متمکنان و پولداران شده و انگیزه انتقامجویی را در قالب ارتکاب انواع جنایات، به‌ویژه جرائم مالی و سرقت تقویت می‌کند (بازگیر، ۱۳۷۶، ص ۹۵). سیل مهاجرت‌های ناشی از جنگ تحمیلی؛ مهاجرت از

کشورهای همسایه و از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ به منظور کاریابی که حاشیه‌نشینی از آثار مستقیم آن است، موجب می‌شود بسیاری از مجرمان از میان حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ برخیزند؛ گسستگی روز افزون پیوندهای اجتماعی و خانوادگی و مذهبی و عدم کنترل بچه‌ها و اطرافیان و یا عدم امکان کنترل اجتماعی به دلیل ارتباط نداشتن ساکنان محله‌ها با یکدیگر؛ بیکاری و نداشتن سرگرمی‌های سالم و شغل‌های درآمدزا، به‌ویژه در ایام تعطیلات تابستانی که میلیون‌ها جوان و نوجوان به جمع بیکاران می‌پیوندند. ارایه الگوهای غلط در زندگی توسط رسانه‌های گروهی و نقل و ترویج بسیاری از جرائم توسط رسانه‌ها و از بین بردن قبح اجتماعی آن و نشان دادن تبهکاران در چهره انسان‌های جسور و شجاع؛ جرم‌زا بودن بسیاری از فیلم‌ها در کنار تعلیم راه‌های گریز از چنگ قانون و مأموران انتظامی و ارایه نیروی انتظامی در چهره نیرویی غیر کارآمد و منفعل که موجب جرأت تبهکاران می‌گردد؛ عدم مشارکت مردم در امر امنیت و عدم اجرای نظارت عمومی که خود معلول عواملی است که باید شناخته شود و برطرف گردد؛ از بین رفتن روح مواسات اسلامی و گذشت و ایثار در جامعه، به‌ویژه در میان برخورداران و متمکنان. اگر این گروه از عطف اسلامی برخوردار بوده و حقوق نیازمندان را پردازند، هم نیاز آنان مرتفع می‌شود و هم صفا و مهربانی به صورت دو سویه در روابط اجتماعی حاکم می‌گردد. اهمیت ندادن والدین به مالکیت دیگران نیز نقش زیادی در ارتکاب سرقت توسط کودکان دارد. همچنین آشفتگی خانواده‌ها - که خود غالباً معلول عوامل اقتصادی و اجتماعی دیگر است و جدال دایمی زن و شوهر و جدایی آنها از هم، و دوری فرزند از خانواده و عدم امکان کنترل اعمال او، و عدم ارضای غریزه محبت، و نیز تحقیر و بی توجهی والدین نسبت به کودکان و تحقیر (بوسار، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹) دانش‌آموزان توسط معلمان موجب می‌شود کودکان، بلکه بزرگسالان برای خودنمایی، انتقام‌جویی و کینه‌توزی مرتکب سرقت گردند. همچنین اعتیاد به مواد مخدر و الکل نه تنها مشکل جامعه ما محسوب می‌شود، بلکه منشأ بسیاری از تبهکاری‌ها، از جمله سرقت می‌گردد.

عامل سیاسی: همان‌گونه که ارتکاب سرقت موجب تضعیف امنیت کشور و اختلال در نظام اجتماعی می‌گردد، ضعف حاکمیت و تضعیف قوای کشور که بعضاً نتیجه بازی‌های سیاسی



است و عدم برخورداری حکومت و قوای کشور از پایگاه و پشتوانه مردمی و ضعیف بودن رابطه نظام و دولت با ملت ضمن آن که موجب از دست دادن پشتیبانی مردمی برای اجرای قانون (پاد، ۱۳۴۸، ص ۱۱۶) و محروم شدن از اطلاعات مردم می‌گردد، فرصتی برای تبهکاران است تا دست به انواع شرارت‌ها زنند (پاشا صالح، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷). همچنین عدم توزیع عادلانه امکانات کشور در میان شهروندان و عدم تأدیه حقوق نیازمندان توسط دولت و جامعه سهم به‌سزایی در ارتکاب سرقت با انگیزه‌های مختلف سیاسی و مالی دارد.

بند دوم: تحلیل جرم شناختی سرقت از منظر عوامل جسمی و روحی (شخصی و شخصیتی)

در بسیاری از موارد شخص به دلیل ضعف شخصیت و نارسایی‌های روحی و روانی مرتکب سرقت می‌گردد. راحت طلبی و به‌دست آوردن درآمدهای کلان با زحمتی اندک و در زمان کوتاه، حسادت و علاقه رسیدن به چیزهایی که دیگران دارند، تبدیل رویاها به واقعیت، انتقام از دشمنان و تسویه حساب‌ها، اثبات شجاعت و مردانگی با توجه به ضعف و کمبود روانی و موارد دیگر، نمونه‌هایی از این قبیل هستند.

بند سوم: تحلیل جرم شناختی سرقت از منظر نارسایی‌های قانونی

یکی از مهم‌ترین عوامل ارتکاب سرقت، ضعف‌ها و نارسایی‌های قانونی است. در بسیاری از موارد قانون پیش از آن که با جرم مبارزه کند، جرم‌زا است.

قوانین شکلی: قوانین شکلی و آیین دادرسی کیفری به معنای عام در واقع شاخه کاربردی حقوق جزا محسوب شده و ضامن صحت اجرای حقوق جزای ماهوی است. صاحب نظران عقیده دارند تکامل و پیشرفت حقوق جزا در هر کشوری در گرو تکامل آیین دادرسی کیفری است. آیین دادرسی کیفری در کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی فراز و نشیب‌های زیادی را پیموده و امروز در وضعیت بحرانی واقع شده، که برزخی میان دادرسی سابق و دادرسی لاحق است، که در دست تصویب قرار دارد (دهقان، ۱۳۷۷، ص ۲۰۲). یکی از عوامل اصلی تراکم پرونده‌ها و فاصله طولانی میان ارتکاب جرم و رسیدگی و مجازات مجرم که باید

اثر اربعایی و عبرت آمیز داشته باشد، ولی آن را به حداقل می‌رساند، نارسا بودن آیین دادرسی کیفری است. علاوه بر این، قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب که تحول بنیادی در نظام قضایی کشور پدید آورد و با هدف کاستن از مشکلات قضایی، کم کردن تشریفات و تسریع در رسیدگی و بازگذاشتن دست قضات برای رسیدگی به هر پرونده‌ای و نهایتاً با هدف اسلامی کردن رسیدگی و محاکمه به تصویب رسید، نه تنها به اهداف یاد شده، نایل نشد، بلکه به دلیل شتاب در اجرای قانون، نداشتن نیروی قضایی کارآمد به اندازه کافی، عدم تصویب آیین دادرسی هماهنگ، تجربه قضایی سالیان متمادی در کشور را از بین برده و بر تراکم پرونده‌ها افزوده است. به همین دلیل قضات در بسیاری از موارد به ناچار کار تحقیقات را به نیروی انتظامی موکول می‌کنند. از سویی دیگر، به دلیل نادیده گرفته شدن امر تخصص در این قانون و فرض صلاحیت عام برای قضات و دادگاه‌ها، علاوه بر آن که آرای صادره بعضاً از غنای علمی و محتوایی لازم برخوردار نیست، موجب صرف وقت زیاد و طولانی شدن رسیدگی و نهایتاً تراکم پرونده‌ها و بی اثر شدن محاکمات و اجرای مجازات می‌گردد (زراعت، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶).

۲۰۵



قوانین ماهوی (ضعف‌های قانون سرقت): یکی از علل ارتکاب هر جرمی را باید در قوانین مربوط به آن جرم جستجو کرد؛ به این بیان که: برخی از قوانین به جای آن که به منظور مبارزه با جرم وضع شوند، سیاق و نحوه تدوین آن و نوع سیاستی که در تصویب آن به کار رفته، بیشتر مشوق مجرمان خواهد بود. قانون سرقت در مواردی چنین وضعیتی دارد. سرقت برخلاف سایر جرایم مالی از دو بخش حدود و تعزیرات تشکیل شده است. در بخش حدود قانونگذار تقریباً از همان متون فقهی تبعیت کرده و مواد مربوط را تنظیم کرده است. در این جا اجمالاً اشاره می‌کنیم مجازات سرقت‌های مسلحانه و راهزنی، موضوع مواد ۱۸۵، ۱۹۰ و ۱۹۱ ق.م.ا. (تحت عنوان محارب) و سرقت‌های حدی که فاقد اجرای حد باشند (موضوع ماده ۲۰۳ ق.م.ا.) و برخی از شرایط مذکور در بندهای ماده ۱۹۸ ق.م.ا. ضمن آن که از لحاظ فقهی و روایی محل اختلاف است (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹)، در پی تحقق یک سیاست جنایی مشخص نیست. پیدا است اختیار قاضی در تعیین مجازات میان یک سال تبعید و اعدام مجرم تبعات زیادی دارد

که یکی از آنها امیدوار شدن تبهکاران حرفه‌ای است. یا این که خیانت در امانت که کمترین آمار جرایم مالی را تشکیل می‌دهد، غیر قابل گذشت می‌باشد. اما سرقت که بیشترین آمار جرایم مالی را به خود اختصاص می‌دهد، قابل گذشت تلقی می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶). به هر حال، مهم در این جا بررسی اجمالی قانون سرقت‌های تعزیری است که بیشترین آمار سرقت به آن اختصاص دارد. قانونگذار پیش از انقلاب مواد ۲۲۲ تا ۲۳۲ قانون مجازات عمومی را بدون ذکر عنوان به سرقت‌های تعزیری اختصاص داده بود و طی آن به بیان شیوه‌های مختلف سرقت پرداخته، مجازات آن را تا حبس ابد با اعمال شاقه پیش‌بینی کرده بود. پس از پیروزی انقلاب و در راستای اسلامی کردن قوانین، قانونگذار در سال ۱۳۶۲ مواد ۱۰۸ تا ۱۱۱ قانون تعزیرات را به سرقت‌های تعزیری، شروع به سرقت و مداخله در اموال مسروقه اختصاص داده و برای آن مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه پیش‌بینی کرد. نارسا بودن قانون اخیر با توجه به انواع سرقت‌ها، موجب شد قانونگذار در سال ۱۳۷۵ در یک اقدام انقلابی با نسخ قانون قبلی، مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات) را به سرقت‌های تعزیری اختصاص دهد. در قانون جدید با آن که از تقسیم‌بندی قانون پیش از انقلاب استفاده شده، اما عناوین جدیدی به آن اضافه شده که قبلاً سابقه نداشته است؛ مانند سرقت از مناطق جنگ زده و جیب‌بری و غیره، ولی مجازات حبس ابد با اعمال شاقه، به حداکثر تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق کاهش یافت. به هر حال، علی‌رغم تغییرات قابل توجه در قانون سرقت، ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز در آن وجود دارد که باید اصلاح شود. از لحاظ شکلی، در تنظیم مواد ارتباط منطقی وجود ندارد. از لحاظ ماهوی در مواردی جرم و مجازات با هم تناسب ندارند. در برخی موارد دست قاضی بیش از حد متعارف باز گذاشته شد؛ مثلاً از سه ماه تا ده سال حبس و یا از یک روز تا پنج سال حبس (موضوع مواد ۶۵۲ و ۶۵۵). پیدا است نتیجه چنین اختیارات وسیع علاوه بر امکان سوء استفاده، صدور آرای متفاوت و با اختلاف فاحش میان دو شعبه هم‌جوار و یا توسط یک قاضی در دو پرونده مشابه خواهد بود، که تأثیر نامطلوب خواهد گذاشت. بر عکس در برخی موارد دست سارقان و تبهکاران را تا مرحله ارتکاب جرم تام بازگذاشته و به جز در چهار مورد، شروع به سرقت اصولاً عملی مباح و غیر قابل تعقیب است،

زیرا با توجه به ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی که اصل را بر جرم نبودن شروع به جرم می‌داند (همان) و با عنایت به انقضای مدت آزمایشی قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ و نیز نسخ آن توسط قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵، به طور ضمنی ماده ۱۰۹ (گرجی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۵) را نیز نسخ کرده است. مفاد ماده ۶۵۵ قانون تعزیرات سال ۷۵ این است که به جز در چهار مورد، اصولاً شروع به سرقت جرم نیست. تردیدی نیست چنین وضعی کاملاً جرم‌زا بوده و تبهکاران را تا مرحله ارتکاب جرم تام مورد حمایت قرار می‌دهد (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۲۱۸). یکی از اشکالات قانون سرقت که مشوق سارقان است، مربوط به مالخرها است. اصولاً در سرقت‌های کلان، تا سارق اطمینان به فروش کالاهای مسروقه نداشته باشد، نمی‌تواند اقدام به سرقت کند. قانونگذار در مورد مالخرها مجازات سبکی مقرر کرده است که نیاز به اصلاح دارد. از جمله اشکالات، مجازات تعدد و تکرار سرقت است. در مورد تعدد سرقت به همان اصل کلی مذکور در ماده ۴۷ ق.م.ا. اکتفا شده است که ایرادهای آن بر اهل فن پوشیده نیست. به بیان دیگر، شخص وقتی مرتکب سرقت اول شد، به طور طبیعی آماده ارتکاب سرقت‌های بعدی می‌شود، زیرا او می‌داند اگر دستگیر شود، تنها یک مجازات در مورد او اعمال می‌گردد؛ خواه یک بار سرقت کند یا بیشتر. در مورد تکرار سرقت هر چند ماده ۶۶۶ صریحاً متعرض آن شده است، اما اولاً میان ماده مذکور و تبصره آن نوعی تناقض وجود دارد؛ ثانیاً تعیین حداکثر مجازات برای سارق در صورت عدم تکرار هم امکان دارد. با مقایسه ماده ۶۶۶ با مواد ۲۸۸ و ۲۵ قانون مجازات عمومی، نقص قانون اخیر بیشتر روشن می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۲۴۵). از جمله ضعف‌های قانون سرقت، قابل گذشت دانستن این جرم است، زیرا به موجب ماده ۲۰۳ ق.م.ا. اصل بر این است که سرقت تنها شخص مالباخته را ضرر می‌زند و رابطه‌ای با نظم جامعه ندارد، مگر خلاف آن ثابت شود. شکی نیست در بسیاری از موارد مالباخته به دلایل وضع فردی و شغلی و یا بر اثر تهدید و یا گرفتن مال خود، از شکایت صرف نظر می‌کند و یا اعلام گذشت می‌نماید و طبق قانون شخص باید آزاد گردد، مگر آن که اقدامش مخل نظم اجتماع باشد (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹). یکی از نقص‌های قانون سرقت مربوط به ماده ۶۵۸ است. سیاق ماده نشان می‌دهد قانونگذار می‌خواهد مکان‌هایی را که دچار حوادث قهری شده‌اند، از



خطر نفوذ سارقان حفظ کند و این حمایت به جایی است، ولی موارد مذکور در ماده به صورت حصری به پنج مورد معین اختصاص یافته است: مناطق سیل زده، زلزله زده، جنگی، آتش سوزی و حوادث رانندگی. حال اگر در غیر آن موارد کسی از موقعیت استفاده کند و مرتکب سرقت گردد، مشمول این ماده نخواهد بود؛ مثل مکان‌های طوفان زده، جاهایی که کوه ریزش یا بهمن سقوط کرده و مانند آن؛ لذا بهتر بود این موارد به صورت تمثیلی بیان می‌شد. یکی از مهم‌ترین نقص‌های قانون سرقت، فرق نگذاشتن میان سرقت‌ها بر اساس ارزش مال مسروقه است. به عبارت دیگر، اگر سرقت یک قوطی کبریت بر طبق ماده ۶۶۱، از سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق قابل مجازات است، سرقت یک دستگاه اتومبیل یا چندین قطعه فرش نفیس و مانند آن نیز همین مجازات را خواهد داشت. حال آیا سارقان به جای دله دزدی به سراغ سرقت‌های کلان نمی‌روند؟ لذا پیشنهاد می‌شود قانونگذار همان‌گونه که کیفیت ارتکاب سرقت را در تشدید مجازات مؤثر دانسته است، میزان و ارزش مال مسروقه را هم در تشدید مجازات دخالت دهد، تا خسارات ناشی از سرقت به حداقل برسد (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۱۲).

بند چهارم: تحلیل جرم شناختی سرقت از منظر عامل قضایی

میزان ارزش هر شغلی بستگی به ارزش موضوع آن دارد؛ از این جهت مقدس‌ترین و با ارزش‌ترین مشاغل، شغل قضایی است، زیرا موضوع آن اجرای عدالت و تأمین امنیت است، که والاترین آرمان بشری است. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: قوه قضاییه ... عهده دار وظایف زیر است:

رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند.

احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

نظارت بر حسن اجرای قوانین.

کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزایی اسلام.

اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

هر چند وظایف یاد شده بر عهده قوه قضاییه است، اما مباشر انجام آن، از یک سو قضات و پرسنل قوه قضاییه هستند و از جانب دیگر ضابطین قوه قضاییه قرار دارند، که در رأس آن نیروی انتظامی است که وابسته به قوه مجریه است. مواد ۱۸ تا ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مبین این شرح وظایف است. به موجب ماده ۱۹ این قانون ضابطین دادگستری مکلف به تفتیش و کشف جرایم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن مرتکب یا متهم بوده و موظف به اجرای دستور مقامات قضایی هستند و در صورت تخلف و سرپیچی از دستور مقامات قضایی، ذیل همان ماده ضمانت اجرای جزایی تعیین شده است. بر این اساس، هر چند جدایی دو نهاد یاد شده، از لحاظ تشکیلاتی و سازمانی در بدو امر کمی ایجاد مشکل می‌کند (آزمایش، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸)، ولی با تشکیل جلسات مشترک و تبادل نظر و این که هر دو مجموعه زیر نظر ولی فقیه قرار دارند، در نهایت می‌توان با بهترین وجه ممکن از امکانات موجود استفاده کرد. حال آیا مسؤول افزایش آمار سرقت قوه قضاییه است یا نیروی انتظامی؟ بهترین پاسخ آن است که بگوییم هیچ کدام، بلکه دولت و مجلس مسؤول‌اند. دولت مسؤول است، زیرا ایجاد اشتغال نمی‌کند، و مجلس مسؤول است، که قانون متناسب تصویب نمی‌کند. هر چند اجمالاً مطلب درست است و ما نیز پیش‌تر توضیح دادیم، اما سهم قوه قضاییه و نیروی انتظامی اگر بیشتر نباشد، قطعاً کمتر نیست.

نتیجه گیری

واژه سرقت در کتابهای لغت به معنای گرفتن شیء در پنهان است و در معنای آن مفهوم خفا و پنهان اخذ شده است. از این رو به طور کلی یکی از معانی آن پوشیده و مخفی شدن است و «سرق» به معنای «خفی» آمده است. استراق سمع یعنی مخفیانه گوش دادن. سرقت از دیدگاه اهل لغت، دارای سه رکن و یا به عبارتی چهار رکن است: ۱- برداشتن شیء ۲- از آن



دیگری بودن ۳- پنهانی بودن ۴- منقول بودن، این رکن ملازم با مفهوم برداشتن است زیرا شیء غیرمنقول قابل برداشتن نیست، لذا ذکر مستقل آن ضرورتی ندارد. منطقی چنانچه یکی از ارکان یاد شده مفقود شود، مفهوم سرقت تحقق پیدا نمی کند. لذا اگر مال منقول نباشد و یا اگر منقول بود، برداشتن آن پنهانی نباشد و یا اگر پنهانی بود، از دیگری نباشد، عمل انجام شده سرقت نخواهد بود. در نظام حقوقی گذشته ایران جرم سرقت مسلحانه و برخی از جرایم مرتبط با آن در فصل پنجم از قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴) مورد حکم قرار گرفته بود (مواد ۲۱۷ الی ۲۱۸). علاوه بر این در بعضی قوانین متفرقه نیز انواع مختلفی از سرقت های خاص از قبیل سرقت مسلحانه از منازل، سرقت از بانک ها مورد پیش بینی قرار گرفته بود. برای سرقت از بانک ها مسئولیت در نظر گرفته شده است که با سرقت همراه با حمله و هجوم به اموال انسان و در نهایت با قتل و با تلاش برای قتل فرد با استفاده از اسلحه و زور و بازو توصیف گشته است. در جرم سرقت از بانک ها در قانون ایران پیش از آن که جرم علیه اموال محسوب شود امنیت داخلی را مختل می کند که اطلاق سرقت به سرقت های مسلحانه و راهزنی از باب مجاز و مسامحه است زیرا در سرقت های عادی موضوع اصلی مال است و رکن مادی آن رایج است که باید به صورت مخفیانه صورت گیرد و در حالی که در جرایم مورد بحث علاوه بر آن که عمل مجرمانه در حضور انبوه جمعیت و صاحبان اموال و توأم با زور و غلبه صورت می گیرد. مهترین عامل بازدارنده جرم سرقت مسلحانه برای سارقین بر حسب گفته های خود سارقین که در اکثریت پرونده ها موجود است، استقرار نگهبان مسلح به سلاح گرم در داخل بانک است، که حسب معالعات موجود موجب جابجایی در مکان جرم یا گاهی نوع جرم شده است. زیرا انگیزه بیشتر این گونه مجرمان رسیدن به هدف بدون هرگونه درگیری است. از طرفی؛ مجازا تهای تعیین شده برای محارب و مفسدین فی الارض و حدود اختیارات نگهبانان مسلح در کاربرد قانونی سلاح، میل و رغبت سارقان مسلح بانکها را برای ارتکاب این جرم کاهش می دهد. بنابراین جا دارد مسئولان و مدیران پلیس و سازمان بانک ها نسبت به این مهم توجه بیشتری بنمایند. ساعت حمله سارقین مسلح بانک بیشتر در ساعت های ۷ تا ۹ صبح است، بنابراین جا دارد مسئولان پلیس و بانک برای حراست از بانک در این ساعات

غافل نباشند و با شروع کار شعبه نگهبان بانک را به محل پست خود بفرستند. در بسیاری از بانک های مورد سرقت مشاهده می شود علیرغم توصیه های جدی ناجا مبنی بر عدم تعبیه فضاهای زیرزمین و نیم طبقات بالایی، عدم استفاده از شیشه های رنگی (به نحوی که داخل شعب از بیرون قابل رؤیت باشد) و عدم تعبیه درب های خروجی پشت بانک غیر از درب ورود و خروج اصلی، این مهم گاهی توسط مسئولان بانک بدلیل شرایط بانک (کم بودن فضای بانک، اجاره ای بودن و...) رعایت نمی گردد. بانک ها باید موظف به تغییر ساختار فضای داخلی ساختمان خود علاوه بر مکان یابی بیرونی باشند. عدم استفاده از برخی تجهیزات حفاظتی مثل قفل های گاو صندوق، دوربین های گاو صندوق، درب جلوگیری از تردد مشتریان به پشت باجه و... با آوردن بهانه هایی از سوی کارمندان بانک مثل شلوغی شعب در مواردی موجب ایراد خطرانی در این زمینه و تعلل در روند پی جویی می گردد. همچنان در بسیاری از شعب؛ پیشخوان های مناسب، درب های جدا کننده، تجهیزات عدم دسترسی و دید به گاو صندوق نصب نشده است که خود موجب دسترسی آسان سارقین به آماج جرم را فراهم می آورد. در مجموع بررسی مطالعات انجام گرفته حکایت از این واقعیت دارد که به تعبیر حقوقدانان، جرم سرقت از بانک ها و به تعبیر روانشناسان و جامعه شناسان بزه و آسیب اجتماعی سرقت، مبتلا به تمامی جوامع بوده، اما دامنه، تنوع و تعدد آن ممکن است متفاوت باشد.



پیشنهادات

- ۱- تقویت اعتقادات و ایجاد ایمان راستین از اوان کودکی تا افراد جامعه درونی پاک و وجودی با طراوت داشته باشند؛ چرا که اندیشه‌های ناپاک و کردار ناشایست و خلاف مختص افراد بی‌ایمان است.
- ۲- تشکیل مرکز علمی و دانشگاهی جرم‌شناسی و همکاری و ارتباط دایمی با مراجع قضایی و مراکز اجرایی

۳- توجه اساسی و واقعی به مسائل اقتصادی جامعه به ویژه توجه به امر تورم مبارزه با ابهام‌ها در این زمینه، ایجاد آرامش و احساس امنیت از این جهت، فقرزدایی، سعی در فراهم نمودن زمینه تعادل اقتصادی در یک جامعه و برنامه‌ریزی اقتصادی؛ در این زمینه هر فردی از جامعه با توان اقتصادی که برای وی به وجود می‌آید، باید بتواند نیازهای خانواده‌اش را بدون اشکال تأمین سازد و فشاری بر وی وارد نیاید و به طور خلاصه احساس نیاز برآورده نشده وجود نداشته باشد.

۴- آموزش عمومی در مورد راه‌های پیشگیری از سرقت و افزایش مراقبت‌های حفاظتی و ایمنی

۵- برنامه‌ریزی و تدوین جزوه‌های آموزشی ویژه برای مکان‌هایی که بیشتر در خطر سرقت هستند، جلب همکاری ساکنان محل و مسئولان و ایجاد ارتباط دایمی با بانک‌ها، مغازه‌ها و شرکت‌های گوناگون

۶- اعمال مجازات مناسب برای هر گروه از سارقان و توجه اساسی به سارقان آزاد شده از زندان‌ها و مراقبت و کنترل آنها توسط مراکز ویژه حمایت از آنان به شیوه مقتضی

۷- افزایش تعداد گشت‌های شبانه پلیس در مناطق آلوده به سرقت

۸- کنترل شدید سارقان بعد از تحمل مجازات و پایان محکومیت از طریق ایجاد اشتغال برای آنان

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ۱- آزمایش، علی، ۱۳۷۳، جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی ۲.
- ۲- آشوری، محمد، ۱۳۷۶، مجموعه مقالات عدالت کیفری، جلد اول، تهران، گنج دانش، چاپ اول.
- ۳- آقایی نیا، حسین، ۱۳۹۲، چیستی جرایم ناقص، تهران، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۶۱.
- ۴- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۷، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
- ۵- بازگیر، یدالله، ۱۳۷۶، سرقت، جعل و خیانت در امانت در آرای دیوان عالی کشور، تهران، انتشارات حقوقدان.
- ۶- بوسار، آندرو، ۱۳۷۵، بزهدکاری بین المللی، مترجم: نگار رخشانی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- ۷- پاد، ابراهیم، ۱۳۸۴، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- پاشا صالح، علی، ۱۳۸۷، فرهنگنامه صالح، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، تهران، چاپ اول.
- ۱۰- دهقان، علی، ۱۳۸۶، جرم سرقت در حقوق کیفری ایران و اسلام، جلد سوم، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
- ۱۱- رضاییان، محمد جواد، ۱۳۸۸، مقاله بررسی تاثیر گرایش جوانان به اعتیاد در سرقت در جامعه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵.
- ۱۲- زراعت، عباس، ۱۳۸۱، قانون مجازات در نظم کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ دوم.



- ۱۳- سیاح، احمد، ۱۳۷۷، لغتنامه، تهران، انتشارات اسلام.
- ۱۴- شامیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۵، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، انتشارات ویستار، چاپ اول.
- ۱۵- صادقی، حسین، ۱۳۸۷، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران؛ مجله تحقیقات اقتصادی؛ شماره ۶۸.
- ۱۶- قربانی، علی اصغر، ۱۳۷۱، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- ۱۷- کریمیان، محمد حسین، ۱۳۹۰، بررسی علل سرقت جوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.
- ۱۸- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۶۹، مقالات حقوقی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۵، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۲۰- محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنائی)، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- ۲۱- مصدق، محمد، ۱۳۹۶، بررسی جرم بغی و افساد فی الارض از منظر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، تهران، مجله دادرسی، ش ۱۲۵.
- ۲۲- میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۲، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان.